



تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب

وحید صالحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۴

چکیده:

این مطالعه به تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی و نقش آن به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب می‌پردازد. انقلاب اسلامی با تغییرات ساختاری در نهادهای اجتماعی، ارزش‌ها و باورهای دینی، تأثیر قابل توجهی بر فرآیندهای توسعه پایدار داشته است. این انقلاب نه تنها هویت ملی و انسجام اجتماعی را تقویت کرده، بلکه زمینه‌ساز تحولات فرهنگی، آموزشی و اقتصادی شده است که نقش مهمی در تحقق حکمرانی مطلوب ایفا می‌کنند. تحلیل جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که ارزش‌های دینی، مشارکت اجتماعی و هویت ملی، عناصر کلیدی در تداوم و پایداری سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای هستند و می‌توانند شاخص‌های مؤثری در ارزیابی حکمرانی مطلوب باشند. همچنین، انقلاب فرصت‌ها و چالش‌هایی را در حوزه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی ایجاد کرده است که نیازمند سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر تحلیل‌های جامعه‌شناختی است. در نتیجه، توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب، نیازمند توازن میان ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و بهره‌گیری از ارزش‌های دینی و هویت ملی می‌تواند مسیر تحقق حکمرانی کارآمد و پایدار را هموار سازد. این مطالعه بر اهمیت نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در ارتقاء شاخص‌های حکمرانی تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که رویکردهای جامعه‌شناختی می‌توانند راهنمای مؤثری برای سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای و حکمرانی مطلوب باشند.

بنابراین سؤال پژوهش این است که توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی چقدر در ایجاد حکمرانی مطلوب نقش دارد؟ و چگونه می‌تواند حکمرانی مطلوب را در بستر انقلاب اسلامی ایجاد کرد؟ فرضیه این است: توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی باعث ایجاد حکمرانی مطلوب خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که توسعه و در ادامه توسعه پایدار نقش اساسی در حکمرانی مطلوب را در جامعه و کشور دارد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و این مقاله به بررسی تأثیر این شاخص‌ها بر توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب از نگاه جامعه‌شناختی می‌پردازد و نشان می‌دهد که استفاده مؤثر از توسعه پایدار می‌تواند به ایجاد

^۱: مدرس و دانش‌آموخته دکتری، جامعه‌شناسی اقتصادی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران

فضای سیاسی پایدار، پاسخگو و مبتنی بر اعتماد کمک کند. در نتیجه، توسعه پایدار پایدار مستلزم توجه به شاخص‌های حکمرانی مطلوب می‌باشد.

واژگان اصلی: توسعه، پایدار، انقلاب اسلامی، قدرت نرم، حکمرانی مطلوب

مقدمه

در عصر حاضر، مفهوم توسعه پایدار به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی مطلوب در سطح جهانی مطرح شده است. این مفهوم، نه تنها بر رشد اقتصادی بلکه بر ارتقاء کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست و تداوم منابع طبیعی تأکید دارد. در این راستا، نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های هویتی در فرآیند توسعه، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. هر جامعه‌ای با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری خود، مسیر خاصی را در تحقق توسعه پایدار طی می‌کند و در این مسیر، شاخص‌های حکمرانی مطلوب نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

در کشور ایران، انقلاب اسلامی به عنوان یک رویداد تاریخی و اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته است. این انقلاب، با تکیه بر ارزش‌های دینی و هویت ملی، توانسته است تغییرات بنیادینی در سیاست‌ها و رفتارهای اجتماعی ایجاد کند و به عنوان یک بستر مهم برای تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار مطرح شود. نقش انقلاب در شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، و تأثیر آن بر شاخص‌های حکمرانی مطلوب، موضوعی است که نیازمند بررسی‌های عمیق و جامع است.

هدف این مقاله، تحلیل جامعه‌شناختی فرآیند توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی و ارزیابی نقش آن در ارتقاء شاخص‌های حکمرانی مطلوب است. با توجه به اهمیت ارزش‌های فرهنگی و هویت ملی در تداوم و پایداری توسعه، این مطالعه سعی دارد تا با بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی، عوامل مؤثر بر توسعه پایدار و شاخص‌های حکمرانی مطلوب را شناسایی و تحلیل کند. نتیجه‌گیری این پژوهش می‌تواند راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی را برای تحقق توسعه‌ای پایدار و حکمرانی مطلوب ارائه دهد، که در نهایت منجر به بهبود کیفیت زندگی و ثبات اجتماعی در کشور می‌شود.

بیان مسأله

با وجود اهمیت روزافزون قدرت نرم در فرآیندهای حکمرانی، بسیاری از کشورها و نهادهای حکومتی هنوز نتوانسته‌اند به صورت مؤثر از این ابزار بهره‌مند شوند. چالش‌هایی مانند ضعف در دیپلماسی فرهنگی، کم‌توجهی به ارزش‌های مشترک و کاهش اعتبار بین‌المللی، موانعی بر سر راه توسعه سیاسی هستند. این در حالی است که فقدان استراتژی‌های کارآمد در بهره‌گیری از شاخصه‌های قدرت نرم، منجر به کاهش مشروعیت، افزایش تنش‌های داخلی و خارجی و در نهایت، کندی روند توسعه سیاسی می‌شود. در جهان معاصر، توسعه پایدار به عنوان یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های پیشرفت و پایداری هر جامعه، نه تنها بر ساختارهای سیاسی و نهادهای حکومتی بلکه بر فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی، روانی و ارزش‌های جمعی تأثیرگذار است. این فرآیند، نیازمند درک عمیق و علمی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، روانی، هنجاری و ارزش‌مدار است که می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌گیری، تثبیت و تقویت قدرت نرم حکمرانی ایفا کند. در این راستا، تبیین جامعه‌شناختی توسعه پایدار، به عنوان شاخصه‌ای از حکمرانی مطلوب، اهمیت حیاتی و راهبردی دارد؛ زیرا این رویکرد، به تحلیل و فهم علمی و عمیق عوامل اجتماعی، باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای جمعی و ساختارهای فرهنگی می‌پردازد که در فرآیندهای سیاسی و حکمرانی نقش‌آفرین هستند.

با این حال، در بسیاری از کشورها و نهادهای حکومتی، بهره‌برداری صحیح و کارآمد از شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در فرآیندهای توسعه پایدار، با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، کم‌توجهی و ناپایداری در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی و روابط بین‌المللی است. بسیاری از سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان، تمرکز بر ابزارهای قدرت سخت، مانند زور، فشار اقتصادی و نظامی، را ترجیح می‌دهند و کمتر به ارزش‌ها، فرهنگ، اعتبار بین‌المللی و دیپلماسی عمومی در زمینه توسعه پایدار اهمیت می‌دهند. این رویکرد، نه تنها منجر به کاهش مشروعیت و اعتبار دولت‌ها می‌شود، بلکه تنش‌های داخلی و خارجی را افزایش داده، فرآیندهای اصلاح و توسعه پایدار را کند و دشوار می‌سازد.

مسئله اصلی این مطالعه در این است که در بستر انقلاب اسلامی، چگونه ارزش‌ها، باورها، هنجارها،

ساختارهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی نقش‌آفرین در فرآیندهای توسعه پایدار هستند و چه تأثیراتی بر تحقق حکمرانی مطلوب دارند. در واقع، توسعه پایدار تنها به شاخص‌های اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی محدود نمی‌شود، بلکه باید در قالب یک فرآیند جامع، مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی شکل گیرد که بتواند نیازهای حال و آینده جامعه را برآورده کند.

در این راستا، یکی از چالش‌های اصلی، عدم توجه کافی به عوامل اجتماعی و فرهنگی در طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه است. بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای، بیشتر بر شاخص‌های کمی و فنی تمرکز دارند و کمتر به نقش و تأثیر ساختارهای اجتماعی، نهادهای فرهنگی، باورها و ارزش‌های مشترک در جامعه توجه می‌کنند. این رویکرد ممکن است منجر به ناپایداری، مقاومت اجتماعی، یا عدم هم‌سویی سیاست‌ها با نیازها و انتظارات جامعه شود. بنابراین، سوال اصلی این است که چگونه می‌توان با تحلیل جامعه‌شناختی، عناصر فرهنگی و اجتماعی مرتبط با انقلاب اسلامی را شناسایی و در فرآیندهای توسعه و حکمرانی به کار گرفت؟

در این زمینه، باید به این نکته توجه داشت که انقلاب اسلامی، بر پایه ارزش‌ها و باورهای دینی، فرهنگی و ملی شکل گرفته است و این ارزش‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت جمعی و رفتارهای اجتماعی دارند. بنابراین، بررسی این ارزش‌ها و باورها، می‌تواند به عنوان شاخص‌های کلیدی در ارزیابی و طراحی سیاست‌های توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، چگونه می‌توان از این ارزش‌ها در جهت تقویت مشارکت اجتماعی، اعتماد عمومی،

همبستگی ملی و هم‌افزایی نهادهای اجتماعی بهره برد؟

همچنین، باید به نقش نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، نخبگان و گروه‌های مرجع در شکل‌گیری و ترویج ارزش‌ها و باورهای مثبت پرداخت. این نهادها، به عنوان واسطه‌های فرهنگی، می‌توانند در انتقال و تثبیت ارزش‌های توسعه‌پایدار نقش‌آفرین باشند و در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، مشارکت فعال داشته باشند. در نتیجه، تحلیل جامعه‌شناختی می‌تواند موانع فرهنگی و اجتماعی بر سر راه توسعه پایدار را شناسایی کند و راهکارهایی برای رفع این موانع ارائه دهد.

از سوی دیگر، درک عمیق از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌هایی طراحی کنند که با ارزش‌ها و باورهای جامعه هم‌راستا باشد و در نتیجه، پذیرش و

همکاری بیشتری از سوی جامعه دریافت کند. این رویکرد، باعث می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، نه تنها از نظر فنی و اقتصادی، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز پایدار و مؤثر باشند.

در نهایت، این مطالعه بر این باور است که تحلیل جامعه‌شناختی، ابزار قدرتمندی برای فهم بهتر از رابطه میان انقلاب اسلامی، ارزش‌ها، باورها و فرآیندهای توسعه است و می‌تواند راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری‌های کارآمدی برای تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب ارائه دهد. این راهکارها، می‌توانند به عنوان راهنمایی برای مسئولان و سیاست‌گذاران در جهت طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، عمل کنند و در نتیجه، مسیر توسعه‌ای پایدار، عادلانه و هم‌سو با هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه را هموار سازند.

در نتیجه، شناخت و تبیین جامعه‌شناختی توسعه سیاسی، نه تنها راهکارهای عملی و راهبردی برای تقویت توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند مسیر توسعه پایدار، عدالت‌محور و مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را هموار سازد. این رویکرد، به عنوان یک ضرورت علمی و عملی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء سطح مشارکت، اعتماد و مشروعیت در نظام‌های حکمرانی ایفا کند و در نهایت، به تحقق توسعه سیاسی پایدار و متوازن کمک نماید.

علاوه بر این، ضعف در استراتژی‌های فرهنگی، ناتوانی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و دیپلماتیک، و ناتوانی در ایجاد ارتباط مؤثر با ذینفعان داخلی و خارجی، از دیگر موانع اصلی است که اثربخشی توسعه پایدار را کاهش می‌دهد. در کنار این موارد، تحولات سریع جهانی، فناوری‌های نوین، رقابت‌های بین‌المللی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی، ضرورت بازنگری و اصلاح رویکردهای حکمرانی و سیاست‌گذاری در حوزه توسعه سیاسی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در این مقاله، نقش توسعه پایدار در تقویت حکمرانی مطلوب از چند جنبه مورد بررسی قرار گرفته است تا در ادامه بحث توسعه پایدار یکی از زیر مجموعه‌های حکمرانی مطلوب به صورت تخصصی و موردی بررسی شود.

✓ ایجاد تصویر مثبت: کشورهایی که به توسعه پایدار اهمیت می‌دهند، در نظر دیگران به عنوان کشورهای مسئول، پایدار و پیشرفته شناخته می‌شوند.

✓ ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی: توسعه پایدار، زمینه‌ساز همکاری‌های چندجانبه و تبادل

فرهنگی می‌شود، که این امر قدرت نرم کشورها را تقویت می‌کند.

✓ **تأثیر بر سیاست‌های داخلی و خارجی:** سیاست‌های توسعه پایدار، نه تنها در داخل کشور موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود، بلکه در روابط خارجی، اعتماد و اعتبار بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

✓ **پایداری در مقابل تهدیدهای جهانی:** توسعه پایدار، کشورها را در مقابل چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، فقر و نابرابری‌های اجتماعی مقاوم‌تر می‌سازد و این امر، قدرت نرم آن‌ها را در عرصه جهانی تقویت می‌کند. در نتیجه، توسعه پایدار به عنوان شاخصه‌ای کلیدی در حکمرانی مطلوب، نقش حیاتی در شکل‌دهی به هویت ملی و افزایش نفوذ کشورها در سیاست‌های جهانی دارد. این رویکرد، راهی مؤثر برای کشورها است تا با بهره‌گیری از ارزش‌ها و سیاست‌های پایدار، جایگاه خود را در جهان تثبیت و تقویت کنند.

نظام‌های سیاسی و اجتماعی برای آنکه بتوانند قدرت خود را فزونی ببخشند و یا بدون استفاده از زور، و از طریق اقناع، جذب دیگران، ایجاد امید اجتماعی و ترغیب دیگران به مسیر مطلوب و موردنظر خویش، ایدئولوژی موردنظر خود را بسط دهند، نیازمند استفاده از قدرت نرم هستند. قدرت نرم به معنای آنکه بتوانند از طریق کاربست مبانی فکری و ایدئولوژیکی خود، الگویی برای دیگران در نظر گرفته شوند و یا از طریق تأیید اجتماعی در داخل، منطقه و جهان، اعتماد دیگران را جلب کرده و منافع خود را پیگیری نمایند.

در دنیای امروز، قدرت کشورها تنها به توان نظامی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دیپلماتیک نقش مهم‌تری در تعیین جایگاه آن‌ها در سطح جهانی ایفا می‌کند. در این راستا، مفهوم «توسعه پایدار» به عنوان روشی غیرمسلحانه برای جلب احترام و نفوذ در عرصه بین‌المللی اهمیت یافته است. توسعه پایدار، به عنوان یک رویکرد جامع و بلندمدت در حفظ منابع طبیعی، عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، می‌تواند نقش کلیدی در تقویت حکمرانی مطلوب کشورها ایفا کند. این مقاله بر آن است تا نشان دهد چگونه توسعه پایدار به عنوان شاخصه‌ای اساسی در افزایش نفوذ و اعتبار کشورها در جامعه جهانی عمل می‌کند.

با توجه به تحولات جهانی و چالش‌های متعددی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و بحران‌های زیست‌محیطی، اهمیت توسعه پایدار بیش از پیش آشکار شده است. اما سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک شاخصه مؤثر در تقویت حکمرانی مطلوب کشورها در نظر گرفت؟ و چه راهکارهایی برای بهره‌برداری بهینه از این رویکرد در سیاست‌های خارجی و داخلی وجود دارد؟ در این پژوهش، تلاش می‌شود تا رابطه بین توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب تحلیل و تبیین شود و نقش آن در سیاست‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

توسعه پایدار و توسعه مطلوب و مناسب، توسعه‌ای است که در راستای بالندگی و رشد همگانی بشر و دست‌یابی انسان به مظهریت در الوهیت و ربوبیت باشد و انسان بتواند به عنوان خلیفه الهی نقش و مسئولیت خود را انجام دهد. از این رو با اشاره به شاخص‌های توسعه انسانی مناسب، به نقد شاخص‌های توسعه‌هایی می‌پردازد که این هدف را مد نظر قرار نمی‌دهد.

این پژوهش در صدد بررسی توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حکومت-داری یا مدیریتی است و این فرضیه را دنبال می‌کند که شاخص‌های توسعه پایدار از حیث اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، همگی پشتوانه‌ای برای قدرت نرم محسوب شود.

در قرن بیست و یکم، مفاهیم قدرت و نفوذ در عرصه بین‌المللی دچار تحولات عمیقی شده‌اند. اگرچه قدرت نظامی و اقتصادی همچنان نقش مهمی در تعیین جایگاه کشورها دارند، اما اهمیت قدرت نرم، یعنی توانایی کشورها در جذب و اقناع دیگران از طریق ارزش‌ها، فرهنگ، سیاست‌ها و تصویر عمومی، روز به روز بیشتر شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه حکمرانی مطلوب، رویکردهای پایدار و بلندمدت است که بر حفظ محیط زیست، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی تأکید دارند. توسعه پایدار، به عنوان یک رویکرد جامع و چندبعدی، می‌تواند نقش کلیدی در تقویت تصویر و اعتبار بین‌المللی کشورها ایفا کند و آن‌ها را در مقابل چالش‌های جهانی مقاوم‌تر سازد. این مقاله بر آن است تا نشان دهد چگونه توسعه پایدار، به عنوان یک شاخصه مهم در حکمرانی مطلوب، می‌تواند به ارتقاء جایگاه کشورها در عرصه جهانی کمک کند و راهکارهای بهره‌برداری بهینه از این رویکرد در سیاست‌های داخلی و خارجی را بررسی کند.

در دنیای امروز، کشورها با چالش‌های متعددی مانند تغییرات اقلیمی، بحران‌های زیست‌محیطی، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، و تنش‌های سیاسی مواجه هستند. این چالش‌ها، نه تنها بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند، بلکه بر تصویر و اعتبار بین‌المللی کشورها نیز اثرگذارند. در این میان، توسعه پایدار به عنوان رویکردی استراتژیک و بلندمدت، می‌تواند نقش مهمی در تقویت حکمرانی مطلوب کشورها ایفا کند؛ زیرا کشورهای پایدار، در نظر جهانیان به عنوان کشورهایی مسئول، پیشرفته و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. اما سوال اصلی این است که چگونه می‌توان توسعه پایدار را به عنوان یک شاخصه مؤثر در تقویت حکمرانی مطلوب در نظر گرفت؟ و چه راهکارهایی برای بهره‌برداری از این رویکرد در سیاست‌های داخلی و خارجی وجود دارد؟ همچنین، چالش‌ها و موانع موجود در پیاده‌سازی توسعه پایدار و نقش آن در سیاست‌های بین‌المللی چیست؟ این مقاله در پی پاسخ به این سوالات است و قصد دارد رابطه بین توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب را تحلیل و تبیین کند تا راهکارهای عملی برای بهره‌برداری بهتر از این رویکرد در ارائه دهد.

اهداف و پرسش تحقیق

برای موضوع تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب چند هدف و پرسش کلیدی مطرح می‌شود:

الف) اهداف:

۱. تحلیل و تبیین نقش ارزش‌ها، باورها و هنجارهای اجتماعی در فرآیند توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی.
۲. شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب در جامعه‌های مبتنی بر انقلاب اسلامی.
۳. بررسی تأثیر ساختارهای اجتماعی و نهادهای فرهنگی بر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در این بستر.
۴. ارائه راهکارهای عملی برای تقویت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در جهت تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی.

ب) پرسش‌ها:

۱. چگونه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی مرتبط با انقلاب اسلامی بر فرآیندهای توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند؟

۲. چه عوامل اجتماعی و ساختاری در جامعه‌های مبتنی بر انقلاب اسلامی، نقش کلیدی در تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب دارند؟

۳. چگونه نهادهای اجتماعی مانند خانواده، نخبگان و رسانه‌ها می‌توانند در ترویج و تثبیت ارزش‌های توسعه‌پایدار مؤثر باشند؟

۴. چه موانع فرهنگی و اجتماعی بر سر راه تحقق توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی وجود دارد و چگونه می‌توان آن‌ها را رفع کرد؟

۵. چگونه تحلیل جامعه‌شناختی می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه کمک کند؟

این اهداف و پرسش‌ها به درک عمیق‌تر و جامع‌تر از نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در فرآیند توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب در بستر انقلاب اسلامی کمک می‌کنند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در موضوع «موضوع تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب» شامل مطالعات و نظریه‌هایی است که به تحلیل عوامل فرهنگی، اجتماعی، روانی و هنجاری در فرآیندهای توسعه پایدار و نقش این عوامل در تقویت حکمرانی مطلوب می‌پردازند. در ادامه، مروری بر مهم‌ترین پژوهش‌ها و نظریه‌های مرتبط ارائه می‌شود:

پیشینه پژوهش در حوزه تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی و شاخص‌های حکمرانی مطلوب، نشان می‌دهد که این حوزه در چند دهه اخیر به طور گسترده مورد توجه محققان قرار گرفته است. در ادامه، مروری جامع‌تر بر پژوهش‌های مرتبط ارائه می‌دهم:

مطالعات داخلی: در ایران، پژوهش‌های متعددی بر نقش ارزش‌های دینی و فرهنگی در فرآیند توسعه تأکید کرده‌اند. برای نمونه، برخی محققان بر این باورند که هویت اسلامی و ارزش‌های فرهنگی، می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای قرار گیرد و موجب تقویت مشارکت اجتماعی

و اعتماد عمومی شود. همچنین، پژوهش‌هایی در حوزه نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، و رسانه‌ها نشان می‌دهند که این نهادها نقش کلیدی در ترویج ارزش‌های توسعه‌پایدار دارند و می‌توانند مانع مقاومت فرهنگی در برابر سیاست‌های توسعه شوند.

مطالعات بین‌المللی: در سطح جهانی، پژوهش‌های متعددی بر اهمیت تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در فرآیندهای توسعه تأکید کرده‌اند. برای مثال، مطالعات در حوزه توسعه انسانی نشان می‌دهند که درک عمیق از باورها و هنجارهای فرهنگی، نقش مهمی در پذیرش و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای دارد. همچنین، پژوهش‌های مربوط به حکمرانی در کشورهای مختلف نشان می‌دهند که نهادهای اجتماعی و فرهنگی، به عنوان واسطه‌های مهم در انتقال ارزش‌ها و ترویج مشارکت عمومی، باید در طراحی سیاست‌های توسعه مورد توجه قرار گیرند.

پژوهش‌های مرتبط با انقلاب اسلامی: در ایران، برخی مطالعات به بررسی نقش ارزش‌های دینی و ملی در شکل‌گیری سیاست‌ها و فرآیندهای توسعه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انقلاب اسلامی، با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ملی، توانسته است هویت جمعی و باورهای مشترک را تقویت کند که این امر در فرآیندهای توسعه و حکمرانی مؤثر است. اما، هنوز نیاز است که نقش این ارزش‌ها و باورها در فرآیندهای توسعه پایدار به صورت جامع‌تر و علمی‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

نکات کلیدی پیشنهادی:

- اهمیت نقش ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در فرآیند توسعه پایدار.
- نقش نهادهای اجتماعی در ترویج و تثبیت ارزش‌های توسعه‌پایدار.
- تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای.
- نیاز به تحلیل جامعه‌شناختی برای فهم بهتر موانع و فرصت‌های توسعه در بستر انقلاب اسلامی.

در نتیجه، این پژوهش قصد دارد با بهره‌گیری از این پیشنهادها، به صورت جامع‌تر و بومی‌تر، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب در جامعه‌های مبتنی بر انقلاب اسلامی را تحلیل کند و راهکارهای عملی ارائه دهد.

۱. پژوهش‌های مرتبط با نقش ارزش‌ها و باورهای دینی در توسعه پایدار:

- مطالعه‌ای توسط حسینی (۱۳۹۴) نشان داد که ارزش‌های دینی و فرهنگی در جامعه ایران نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های توسعه‌ای دارند و می‌توانند موجب تقویت مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی شوند.
- تحقیق قاسمی (۱۳۹۸) بر اهمیت نهادهای اجتماعی مانند خانواده و رسانه در ترویج ارزش‌های توسعه‌پایدار تأکید دارد و نشان می‌دهد که این نهادها می‌توانند مانع مقاومت فرهنگی در مسیر توسعه شوند.

۲. تحقیقات درباره هویت فرهنگی و فرآیندهای توسعه:

- مهدوی (۱۳۹۲) بر تأثیر هویت فرهنگی و باورهای جمعی در سیاست‌های توسعه در ایران تمرکز کرده است و نشان می‌دهد که هویت فرهنگی، نقش کلیدی در شکل‌گیری سیاست‌های مؤثر و پایدار دارد.

۳. مطالعات درباره موانع فرهنگی و اجتماعی در مسیر توسعه:

- نوری (۱۳۹۷) موانع فرهنگی و اجتماعی را در فرآیند توسعه پایدار در ایران بررسی کرده و راهکارهایی برای رفع این موانع ارائه داده است.

تحقیقات بین‌المللی:

۱. مطالعات در حوزه ارزش‌ها و توسعه پایدار:

- فاستر (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای مقایسه‌ای نشان داد که درک عمیق از باورها و هنجارهای فرهنگی در کشورهای مختلف، کلید موفقیت در اجرای سیاست‌های توسعه پایدار است.

۲. نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی در فرآیند توسعه:

- پژوهش‌های در حوزه توسعه انسانی، مانند کارهای سن (۱۹۹۹)، بر اهمیت ارزش‌ها و آزادی‌های فرهنگی در فرآیند توسعه تأکید دارند و نشان می‌دهند که نهادهای اجتماعی در انتقال ارزش‌ها نقش مهمی دارند.

۳. مطالعات در حوزه حکمرانی و مشارکت اجتماعی:

- Putnam (۱۹۹۳) در مطالعه‌ای درباره ایتالیا نشان داد که نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی، نقش کلیدی در توسعه و حکمرانی مؤثر دارند و این موضوع در کشورهای مختلف قابل تعمیم است.

۴. مطالعات ارزش‌سنجی و باورهای فرهنگی:

- Hofstede (۲۰۰۱) در تحلیل‌های فرهنگی، نشان داد که تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها، تأثیر قابل توجهی بر فرآیندهای توسعه و سیاست‌گذاری دارد.

جمع‌بندی:

این تحقیقات نشان می‌دهند که ارزش‌ها، باورها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی، نقش اساسی در فرآیندهای توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب دارند. همچنین، تحلیل جامعه‌شناختی این عوامل، می‌تواند راهکارهای موثری برای رفع موانع فرهنگی و اجتماعی در مسیر توسعه ارائه کند. پژوهش حاضر با تمرکز بر بستر انقلاب اسلامی و شاخص‌های حکمرانی مطلوب، قصد دارد این روابط را به صورت بومی و جامع بررسی کند و راهکارهای عملی ارائه دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه، عمدتاً از نوع روش‌های کیفی و ترکیبی است که به تحلیل عمیق و جامع عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری مرتبط با توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی می‌پردازد. در ادامه، جزئیات روش‌های مورد استفاده آورده شده است:

هدف از این نوع مطالعه، فهم عمیق و تبیین رابطه میان ارزش‌ها، باورها، نهادهای اجتماعی و فرآیندهای توسعه پایدار در جامعه‌های مبتنی بر انقلاب اسلامی است.

جمع‌آوری و تحلیل منابع، مقالات، گزارش‌ها و اسناد مرتبط داخلی و بین‌المللی برای شناخت پیشینه و چارچوب نظری، انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نخبگان، کارشناسان، فعالان اجتماعی و فرهنگی برای درک دیدگاه‌ها و تجربیات آن‌ها در زمینه نقش ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی در توسعه پایدار نمونه‌های موفق و در ادامه مطالعه تجربه موفق و ناموفق در کشور و دیگر جوامع اسلامی و

توسعه یافته برای تحلیل عوامل مؤثر و موانع فرهنگی و اجتماعی.

در نهایت، از تحلیل تطبیقی و تحلیل SWOT برای ارزیابی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف در پیاده‌سازی توسعه سیاسی و تقویت قدرت نرم بهره گرفته می‌شود. این رویکرد چندجانبه، امکان تحلیل جامع و عمیق‌تر رابطه بین توسعه سیاسی و قدرت نرم را فراهم می‌آورد و راهکارهای عملی و استراتژی برای حکمرانی مؤثر را ارائه می‌دهد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش درباره تبیین جامعه‌شناختی توسعه پایدار به عنوان شاخصه‌ای از حکمرانی مطلوب باید بر مفاهیم کلیدی، نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط استوار باشد. در ادامه، نمونه‌ای از چارچوب نظری برای این موضوع ارائه می‌دهم:

چارچوب نظری در این پژوهش بر پایه نظریه‌ها و مفاهیم جامعه‌شناختی مرتبط با توسعه پایدار، ارزش‌ها، باورها و نهادهای اجتماعی استوار است. این چارچوب، راهنمای تحلیل روابط میان عوامل فرهنگی، اجتماعی و فرآیندهای توسعه و حکمرانی در بستر انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند.

عناصر اصلی چارچوب نظری:

۱. نظریه ارزش‌ها و هنجارها (Schwartz & Hofstede):

○ این نظریه‌ها بر اهمیت ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی و سیاست‌گذاری تأکید دارند. ارزش‌ها، باورهای بنیادی هستند که رفتارها و تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی را شکل می‌دهند و در فرآیند توسعه نقش دارند.

○ در این پژوهش، ارزش‌های دینی و ملی در انقلاب اسلامی، به عنوان ارزش‌های محوری، مورد توجه قرار می‌گیرند که بر سیاست‌ها و رفتارهای جامعه تأثیر گذارند.

۲. نظریه نهادهای اجتماعی (Bourdieu & Durkheim):

○ نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، رسانه و نخبگان، نقش واسطه‌ای در انتقال ارزش‌ها و باورها دارند و در شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی

مؤثرند.

- این نظریه‌ها بر اهمیت ساختارهای اجتماعی در فرآیند توسعه و حکمرانی تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که نهادهای اجتماعی می‌توانند موانع یا فرصت‌هایی برای توسعه پایدار باشند.

۳. نظریه سرمایه اجتماعی (Putnam):

- این نظریه بر اهمیت اعتماد، همکاری و مشارکت فعال در جامعه تأکید دارد. سرمایه اجتماعی، عامل کلیدی در تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب است.

- در این پژوهش، نقش نهادهای مدنی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی در ترویج ارزش‌های توسعه‌پایدار بررسی می‌شود.

۴. نظریه هویت فرهنگی و فرآیندهای تغییر فرهنگی (Baker & Inglehart):

- این نظریه‌ها بر تأثیر تغییرات فرهنگی و مدرنیزاسیون بر ارزش‌ها و باورهای جامعه تأکید دارند و نقش آن در فرآیندهای توسعه را تحلیل می‌کنند.
- در بستر انقلاب اسلامی، هویت فرهنگی و باورهای جمعی، نقش مهمی در پذیرش سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه دارند.

نحوه کاربرد در پژوهش:

- این نظریه‌ها به عنوان پایه‌های تئوریک برای تحلیل روابط میان ارزش‌ها، نهادهای اجتماعی و فرآیندهای توسعه و حکمرانی در جامعه‌های مبتنی بر انقلاب اسلامی به کار می‌روند.

- با استفاده از این چارچوب، می‌توان موانع فرهنگی و اجتماعی را شناسایی کرد، و راهکارهای مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی برای توسعه پایدار ارائه داد.

چارچوب نظری در پژوهش‌های جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی، نقش مهمی در هدایت تحلیل‌ها و تبیین روابط میان مفاهیم کلیدی دارد. در ادامه، یک نمونه چارچوب نظری جامع و کاربردی برای موضوع شما ارائه می‌شود:

۱. نظریه ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی (نظریه ارزش‌ها و هنجارها)

- بر اساس نظریه هارولد گرافنر و شولتز، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، ساختارهای بنیادی هستند که رفتارهای فردی و جمعی را شکل می‌دهند.
- در این نظریه، ارزش‌های فرهنگی، باورهای مشترک و هنجارهای اجتماعی، نقش واسطه در انتقال و ترویج مفاهیم توسعه پایدار دارند.
- در بستر انقلاب اسلامی، ارزش‌های دینی، ملی و فرهنگی، بر فرآیندهای توسعه تأثیرگذارند و می‌توانند به عنوان شاخص‌های فرهنگی در حکمرانی مطلوب مورد استفاده قرار گیرند.

۲. نظریه هویت فرهنگی و هویت جمعی (نظریه هویت)

- بر اساس نظریه آنتونی گیدنز و تایلر، هویت فرهنگی، ساختاری است که بر باورها، ارزش‌ها و هویت جمعی جامعه تأثیر می‌گذارد.
- این نظریه بر اهمیت هویت فرهنگی در پذیرش سیاست‌ها و فرآیندهای توسعه تأکید دارد و نشان می‌دهد که هر چه هویت فرهنگی قوی‌تر و منسجم‌تر باشد، پذیرش سیاست‌های توسعه‌پایدار آسان‌تر است.
- در بستر انقلاب اسلامی، هویت دینی و ملی، نقش مهمی در شکل‌گیری فرآیندهای توسعه و حکمرانی مطلوب دارند.

۳. نظریه نهادهای اجتماعی و مشارکت مدنی (نظریه نهادگرایی اجتماعی)

- بر اساس نظریه پیر بوردیو و آلبنور اوستروم، نهادهای اجتماعی، نقش واسطه در انتقال ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی دارند.
- این نهادها، شامل خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و نخبگان، نقش کلیدی در ترویج و تثبیت ارزش‌های توسعه‌پایدار و حکمرانی مطلوب دارند.
- در این چارچوب، مشارکت فعال نهادهای اجتماعی و اعتماد اجتماعی، کلید موفقیت در فرآیندهای توسعه است.

۴. نظریه توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب (نظریه توسعه پایدار و حکمرانی)

- بر اساس نظریه برنامه توسعه سازمان ملل و نظریه حکمرانی خوب، توسعه پایدار باید در قالب تعادل میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باشد.
- حکمرانی مطلوب، حکمرانی است که مبتنی بر شفافیت، مشارکت، پاسخگویی و عدالت باشد و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در آن نقش محوری دارند.
- در این چارچوب، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، شاخص‌های حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار را شکل می‌دهند و باید در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شوند.

جمع‌بندی چارچوب نظری:

در این چارچوب، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، هویت جمعی و نهادهای اجتماعی، نقش واسطه و میانجی در فرآیندهای توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب دارند. ارزش‌های دینی و ملی، در قالب هویت فرهنگی، بر پذیرش و اجرای سیاست‌های توسعه اثرگذارند و نهادهای اجتماعی، این ارزش‌ها را در جامعه تثبیت و ترویج می‌کنند. در نهایت، توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب، نتیجه تلفیق این عوامل است که باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه لحاظ شوند.

در حوزه مطالعات داخلی، پژوهش‌هایی مانند «پژوهش‌های مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی» در ایران، بر اهمیت شناخت عوامل فرهنگی، هنجاری و روانی در فرآیند توسعه پایدار تأکید کرده‌اند و نقش این عوامل در تقویت حکمرانی مطلوب را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعات بر نیاز به رویکردهای جامعه‌شناختی در سیاست‌گذاری‌های توسعه پایدار تأکید دارند.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در حوزه توسعه سیاسی و نقش عوامل جامعه‌شناختی در شکل‌گیری و تقویت قدرت نرم حکمرانی انجام شده است.

در مطالعه‌ای که توسط محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در کشور ایران انجام شد، نقش ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی در فرآیند توسعه سیاسی و تقویت قدرت نرم حکمرانی مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعه بر اساس تحلیل‌های جامعه‌شناختی، نشان داد که اعتماد اجتماعی، هویت ملی، و باورهای فرهنگی مشترک، نقش کلیدی در ایجاد مشروعیت و افزایش مشارکت عمومی در فرآیندهای سیاسی دارند. نتایج نشان داد که در جوامعی که ارزش‌های فرهنگی و باورهای جمعی تقویت شده و هنجارهای اجتماعی همسو با توسعه سیاسی شکل گرفته است، میزان رضایت عمومی

و اعتماد به نهادهای حکومتی افزایش یافته و قدرت نرم حکمرانی در سطح مؤثری قرار می‌گیرد. همچنین، در مطالعه دیگری توسط علی‌پور (۱۴۰۰)، در کشور ترکیه، رابطه میان ساختارهای فرهنگی، هویت ملی و توسعه سیاسی تحلیل شد. این پژوهش نشان داد که فرآیندهای جامعه‌شناختی، به ویژه هویت جمعی و باورهای فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تثبیت قدرت نرم در نظام‌های حکمرانی دارند. نتایج این مطالعه بر اهمیت تبیین علمی و عملی عوامل فرهنگی و روانی در سیاست‌گذاری‌های توسعه سیاسی تأکید کرد و پیشنهاد داد که سیاست‌گذاران باید رویکردهای جامعه‌شناختی را در طراحی برنامه‌های توسعه‌ای خود لحاظ کنند.

مطالعه «پیرس و همکاران» (۲۰۱۵) است که در آن به بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی، اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی در کشورهای در حال توسعه پرداخته شد. نتایج نشان داد که ارزش‌های فرهنگی و باورهای جمعی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ملی و اعتماد عمومی دارند و این عوامل، به طور مستقیم بر اثربخشی سیاست‌های توسعه سیاسی و قدرت نرم حکمرانی تأثیرگذار هستند.

همچنین، مطالعه «کاپلان و همکاران» (۲۰۱۸) بر اهمیت ساختارهای اجتماعی و روانی در فرآیندهای سیاست‌گذاری تأکید کرد و نشان داد که تغییرات در هنجارها و باورهای فرهنگی، می‌تواند منجر به تغییرات پایدار در ساختارهای اجتماعی و در نتیجه، تقویت مشروعیت و اعتماد عمومی شود. این پژوهش، بر نقش هویت جمعی و احساس تعلق اجتماعی در فرآیندهای توسعه سیاسی تأکید داشت و نشان داد که سیاست‌های مبتنی بر تحلیل‌های جامعه‌شناختی، می‌تواند در تقویت قدرت نرم حکمرانی مؤثر باشد.

همچنین، مطالعه «احمد و همکاران» (۲۰۱۹) در کشور ایران، بر اهمیت تحلیل‌های جامعه‌شناختی در فرآیندهای توسعه سیاسی تأکید کرد و نشان داد که باورهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی، در شکل‌گیری هویت جمعی و اعتماد عمومی نقش حیاتی دارند و می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های توسعه سیاسی مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

در مطالعه دیگری، «حیدری و همکاران» (۲۰۲۰) به بررسی نقش هویت فرهنگی و باورهای جمعی در فرآیندهای توسعه سیاسی در کشورهای خاورمیانه پرداختند. نتایج نشان داد که تبیین

جامعه‌شناختی از عوامل فرهنگی و روانی، می‌تواند در طراحی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر باشد که به نوبه خود، قدرت نرم حکمرانی را تقویت می‌کند و در مسیر توسعه سیاسی پایدار قرار می‌دهد.

در پژوهش «مارتین و همکاران» (۲۰۲۰)، نقش عوامل روان‌شناختی مانند احساس امنیت، رضایت مندی و امیدواری در جامعه بررسی شد. نتایج نشان داد که این عوامل، به عنوان شاخص‌های روانی و فرهنگی، در فرآیندهای توسعه سیاسی و اعتماد عمومی نقش دارند و می‌توانند در تبیین و تقویت قدرت نرم حکمرانی مؤثر باشند.

در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهند که تبیین جامعه‌شناختی توسعه سیاسی، نه تنها در فهم عمیق‌تر عوامل مؤثر بر فرآیندهای سیاسی، بلکه در تقویت قدرت نرم و حکمرانی مؤثر نقش حیاتی دارد. این پیشنهادها موردی، اهمیت تحلیل‌های جامعه‌شناختی را در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای و حکمرانی اثبات می‌کنند و راه را برای پژوهش‌های آینده در این حوزه هموار می‌سازند. مطالعات پیشین نشان می‌دهند که عوامل فرهنگی، اجتماعی، روانی و هنجاری نقش اساسی در فرآیندهای توسعه سیاسی و تقویت قدرت نرم حکمرانی دارند. این پژوهش‌ها، اهمیت تحلیل جامعه‌شناختی در طراحی سیاست‌های توسعه و حکمرانی مؤثر را برجسته می‌سازند و بر لزوم بهره‌گیری از رویکردهای چندرشته‌ای در این حوزه تأکید دارند.

۱. نظریه‌های قدرت نرم

- جوزف نای (Joseph Nye) قدرت نرم را توانایی جذب و اقناع بدون اجبار می‌داند. توسعه سیاسی، با مشارکت مدنی، اعتماد و مشروعیت اجتماعی، از منابع مهم قدرت نرم در حکمرانی است.

۲. نظریه‌های جامعه‌شناختی قدرت

- فوکو (Michel Foucault) قدرت نه فقط در نهادهای رسمی بلکه در گفتمان‌ها و دانش توزیع‌شده اجتماعی شکل می‌گیرد. توسعه سیاسی محصول این بازتوزیع قدرت در جامعه است.
- بوردیو (Pierre Bourdieu) مفهوم سرمایه نمادین، میدان اجتماعی و عادت‌واره،

ابزاری مهم برای تحلیل سازوکارهای توسعه سیاسی و شکل‌گیری مشروعیت اجتماعی هستند.

۳. نظریه‌های مشارکت سیاسی و مشروعیت

- ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington) توسعه سیاسی را فرآیند پیچیده‌ای از نوسازی و نهادسازی می‌داند. فقدان هماهنگی بین این دو می‌تواند موجب بحران مشروعیت شود.
- گیدنز (Anthony Giddens) تأکید بر رابطه‌ی متقابل میان ساختارهای اجتماعی و کنش‌های فردی؛ که در آن توسعه سیاسی از دل تعامل کنش‌گران مدنی با ساختارهای حکمرانی شکل می‌گیرد.

۴. نظریه حکمرانی خوب (Good Governance)

- شاخص‌هایی مثل شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت، و کارآمدی حکومتی، از نگاه بانک جهانی و UNDP، عناصر کلیدی حکمرانی مؤثر هستند که از مسیر توسعه سیاسی تقویت می‌شن.

توسعه پایدار و قدرت نرم

۱. مفاهیم پایه:

- توسعه پایدار: توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود را محدود سازد. این مفهوم بر سه محور اصلی استوار است: اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (بر اساس گزارش برنارد، ۱۹۸۷؛ سازمان ملل، ۱۹۸۷).
- قدرت نرم: توانایی کشورها در جذب و اقناع دیگران برای همکاری و پذیرش ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست‌هایشان، بدون استفاده از زور و تهدید (نظریه جوزف نای، ۱۹۹۰). این مفهوم بر تصویر، اعتبار و ارزش‌های فرهنگی و دیپلماتیک تمرکز دارد.

۲. توسعه پایدار و ابعاد آن

توسعه عبارت از فرآیندی است که طی آن گزینه‌های انتخاب مردم گسترش می‌یابد (مشکی، ۱۳۹۵).

۲۶). توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (دانشنامه آکسفورد). بنابراین اگر توسعه را روند تغییر از وضعیت موجود و ناپایدار به وضعیت مطلوب و پایدار بدانیم و وضعیت مطلوب با آرمانی را که هدف چنین توسعه‌ای است، همان توسعه انسانی پایدار تعریف کنیم، برای سنجش و ارزیابی آن، دو معیار درجه انسانی بودن و درجه پایداری توسعه باید مورد توجه قرار گیرد. در چنین الگویی، توسعه، فرآیندی در جهت استفاده بهینه از منابع و فرصت‌ها خواهد بود. عناصر و زیر سیستم‌های اصلی تشکیل دهنده این فرآیند عبارت خواهند بود از مردم، منابع، فعالیت‌ها، فضاها و مشارکت، عناصری که در ارتباط متقابل و چند جانبه با یکدیگر قرار دارند. پیوند مطلوب این عوامل باعث افزایش کارایی سیستم و در واقع افزایش پایداری، تعادل و بازده سیستم توسعه می‌گردد (جمعه پور، ۱۳۷۸: ۷). ضمن اینکه بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه، علم باوری، انسان باوری و آینده باوری سه اندیشه در دوران مدرن هستند و برای رسیدن به توسعه، باید به سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی آن‌ها پرداخت (عظیمی، ۱۳۶۹: ۱۰۳).

توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری نیز آمده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۱). همچنین دستیابی به توسعه، هدف و یا مقصد نهایی نیست، بلکه یک فرایند است. به همین دلیل به جای استفاده از اصطلاح «توسعه یافتگی»، اصطلاح «توسعه پایدار» به کار گرفته می‌شود. تفاوت استفاده از این اصطلاح آن است که همه کشورها و نظام‌های سیاسی به این نتیجه برسند که «نقطه پایانی در توسعه وجود ندارد». به بیان دیگر، هیچوقت نمی‌توان چنین ادعا کرد که پس از مهیا شدن شروط عمومی و اختصاصی در یک جامعه، آن را توسعه یافته در نظر بگیریم. بنابراین نمی‌توان گفت که به نقطه پایان راه رسیده‌ایم. صحیح‌تر آن است که گفته شود «این کشور در مسیر توسعه پایدار قرار دارد». با این وجود این احتمال نیز می‌رود که مطابق شاخص‌های استاندارد بین‌المللی کشور یاد شده، به عنوان کشوری توسعه یافته در نظر گرفته شود. توسعه پایدار از جمله مفاهیم و وضعیتی است که هم جذابیت‌های خاصی برای سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشورها دارند

هم اینکه با آرمان‌های جوامع مختلف سازگاری دارند. این دیدگاه که نسل‌های آینده بشر، برای ادامه حیات و زندگی به کره زمین وابسته خواهند بود، این شرایط را الزامی می‌سازد که میزان بهره‌مندی بالقوه نسل‌های آینده نیز نباید از میزان بهره‌مندی نسل فعلی کمتر باشد. توسعه پایدار هم مطلوب اهالی اقتصاد است که رویکرد و نگاه عقلانی به مسائل مختلف دارند و از این جهت نیز هدفی در چارچوب عقلانیت اخلاقی محسوب می‌شود. بر همین اساس، دارای مقبولیت و مشروعیتی عام در کشورهای مختلف و افراد جوامع بشری است. توسعه پایدار به عنوان هدف اغلب جوامع است. هرچند مشکلات خاص و گسترده باعث شده تا هدف کشورهای جهان سوم بیشتر بر دستیابی به توسعه باشد تا اینکه توسعه پایدار را تجربه کنند. در هر صورت آنچه به نظر می‌رسد این است که از بین بردن شکاف فعلی میان دو شرایط دنیای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بدون فرایند توسعه پایدار، امکان‌پذیر نیست. اصطلاح «توسعه» به ارتقای سطح زندگی و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه جامعه معطوف می‌شود و مقصود از «پایداری» آن نیز توجه نشان دادن به به استمرار این فرآیند در طول نسل‌های بشر است. بدین ترتیب، توسعه پایدار همه ابعاد زندگی بشر را شامل می‌شود. با توجه به این مسأله نباید توقع داشت که این مقوله به سادگی قابل بیان و به سهولت قابل اندازه باشد (متوسلی، ۱۳۹۲: ۵۳-۵۲). اصطلاح توسعه پایدار اولین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین‌المللی حفاظت از منابع طبیعی با عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» به کار برده شد و براساس همین گزارش که تحت عنوان «آینده مشترک ما» که گزارش بروتلند نیز نام گرفته است و توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد تدوین شده، به طور همه‌جانبه‌ای گسترش یافت و پیامدهای سیاسی گسترده‌ای مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته بر جای گذاشت. در نهایت اینکه توسعه پایدار از مفاهیم و محصولات دهه ۹۰ میلادی است و در سمپوزیومی که در سال ۱۹۹۱ در لاهه برگزار شد به ادبیات توسعه راه یافت (همان: ۶۶-۶۰). با این حال توسعه پایدار در هر مکتب فکری و سیاسی دارای ابعاد و مؤلفه‌هایی است که گونه‌های مختلفی از توسعه پایدار را در سطح جهان رقم زده است. با توجه به همین مسأله، جستجوی مبانی نظری توسعه پایدار در فقه اسلامی حائز اهمیت است و از جهت اینکه می‌تواند توسعه پایدار اسلامی را به عنوان الگویی برای دیگران و ابزاری برای جذب، اقتناع و متقاعد کردن دیگران باشد، بسیار مهم است. علاوه بر اینکه،

می‌تواند بنیانی فراگیر برای افزایش قدرت نرم و قدرتی پنهان و مضاعف برای جامعه اسلامی در نظر گرفته شود.

۳. نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط:

- ✓ **نظریه توسعه پایدار:** بر اساس مدل‌های چندبعدی، توسعه پایدار باید تعادلی میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برقرار کند. مدل‌های مختلفی مانند مدل سه‌بعدی (اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست) برای تحلیل این مفهوم وجود دارد.
- ✓ **نظریه قدرت نرم:** بر اساس نظریه نای، قدرت نرم از طریق دیپلماسی فرهنگی، آموزش، همکاری‌های بین‌المللی، و تصویر مثبت کشورها شکل می‌گیرد. مدل‌های مختلفی مانند مدل چهارگانه نای (دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی اقتصادی، و دیپلماسی فناوری) برای تحلیل این مفهوم ارائه شده است.
- ✓ **مدل تلفیقی توسعه پایدار و قدرت نرم:** این مدل بر این فرض استوار است که توسعه پایدار، با ارتقاء شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌تواند نقش مهمی در تقویت قدرت نرم کشورها ایفا کند. بر اساس این مدل، شاخص‌های توسعه پایدار به عنوان عوامل مؤثر در تصویر عمومی و اعتبار بین‌المللی کشورها محسوب می‌شوند.

فرضیه‌های پژوهش:

- ✓ فرضیه‌های این پژوهش بر اساس هدف‌ها و سوالات مطرح شده، به صورت زیر هستند:

۱. فرضیه اصلی:

ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی مرتبط با انقلاب اسلامی، تأثیر مثبت و معناداری بر فرآیند توسعه پایدار و تحقق حکمرانی مطلوب در جامعه دارند.

۲. فرضیه‌های فرعی:

- ✓ نهادهای اجتماعی مانند خانواده، رسانه و نخبگان، نقش واسطه‌ای در ترویج و تثبیت ارزش‌های توسعه‌پایدار در جامعه دارند.

✓ موانع فرهنگی و اجتماعی، مانع اصلی در مسیر تحقق توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی هستند.

✓ تقویت و ترویج ارزش‌های فرهنگی و باورهای دینی، می‌تواند بهبود فرآیندهای حکمرانی و توسعه پایدار را تسهیل کند.

✓ تحلیل جامعه‌شناختی می‌تواند عوامل مؤثر در تغییرات فرهنگی و اجتماعی را شناسایی و راهکارهای مناسب برای ارتقاء شاخص‌های توسعه پایدار ارائه دهد.

این فرضیه‌ها کمک می‌کنند تا رابطه میان عوامل فرهنگی، اجتماعی و توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی مورد آزمون قرار گیرد و نتایج آن بتواند راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری مناسب ارائه کند.

۳. مدل مفهومی:

در این پژوهش، مدل مفهومی بر اساس فرضیه‌های فوق طراحی می‌شود که رابطه میان توسعه پایدار (متغیر مستقل) و حکمرانی مطلوب (متغیر وابسته) را نشان می‌دهد. عوامل میانجی مانند سیاست‌گذاری‌های داخلی، دیپلماسی فرهنگی، و همکاری‌های بین‌المللی، در این مدل نقش دارند. برای طراحی مدل مفهومی پژوهش با موضوع «تبیین جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی به عنوان شاخصه‌ای از حکمرانی مطلوب»، با کمک متغیرهای اصلی و فرعی چارچوب نظری موجود شناسایی را کرده و نحوه ارتباط آن‌ها را به صورت منطقی ترسیم شده و مدل پیشنهادی ارائه می‌شود.

اجزای مدل مفهومی

◇ متغیر وابسته:

✓ حکمرانی مطلوب

◇ متغیر مستقل اصلی:

✓ توسعه پایدار

◇ ابعاد توسعه سیاسی (متغیرهای فرعی):

✓ مشارکت مدنی شهروندان

✓ شفافیت و پاسخ‌گویی نهادها

- ✓ آزادی‌های سیاسی و حقوقی
- ✓ مشروعیت اجتماعی حکومت
- ✓ سرمایه نمادین نخبگان
- ✓ تعامل ساختار و عاملیت اجتماعی

♦ متغیرهای مداخله‌گر یا زمینه‌ای:

- ✓ گفتمان‌های رسمی و رسانه‌ای درباره مشارکت
- ✓ سرمایه اجتماعی (اعتماد، همبستگی، هویت ملی)
- ✓ بسترهای فرهنگی و تاریخی جامعه
- ✓ سطح نوسازی اجتماعی و سواد سیاسی

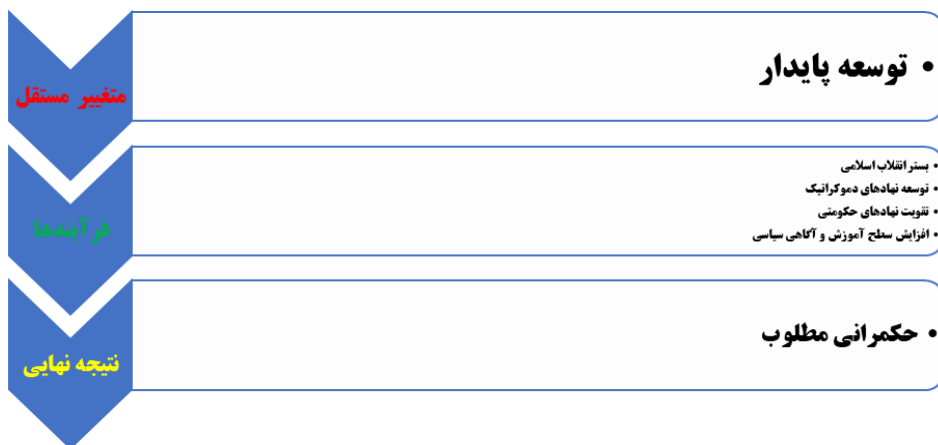
🔗 روابط مفهومی:

- ✓ توسعه پایدار با ابعاد ذکر شده، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ارتقاء حکمرانی مطلوب تأثیر می‌گذارد.
- ✓ برخی از متغیرهای زمینه‌ای نقش تسهیل‌گر یا بازدارنده در این رابطه دارند.
- ✓ مشروعیت اجتماعی به عنوان حلقه‌ی واسطه می‌تواند پل ارتباطی بین توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب باشد.

❖ اهمیت و کاربردهای نظریه‌ای

این چارچوب، امکان تحلیل رابطه میان توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب را در سطح ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند. به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی مبتنی بر توسعه پایدار طراحی کنند که منجر به تقویت حکمرانی مطلوب و نفوذ کشور در عرصه جهانی می‌شود. این مدل، پایه‌ای برای توسعه شاخص‌های جدید و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های توسعه پایدار در ارتقاء قدرت نرم است.

نمودار مدل:



این مدل، رابطه مستقیم و غیرمستقیم میان توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب را تحلیل می‌کند و نقش عوامل میانجی را در این رابطه مشخص می‌سازد.

کاربردهای عملی و سیاست‌گذاری

• سیاست‌گذاری داخلی:

توسعه برنامه‌های جامع و بلندمدت در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به منظور ارتقاء شاخص‌های توسعه پایدار و در نتیجه تقویت حکمرانی مطلوب.

• سیاست‌گذاری خارجی:

توسعه دیپلماسی فرهنگی، عمومی و اقتصادی بر اساس شاخص‌های توسعه سیاسی، برای بهبود تصویر بین‌المللی و نفوذ در عرصه جهانی.

• ارزیابی و سنجش:

توسعه شاخص‌های جدید مبتنی بر توسعه پایدار برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌های تقویت حکمرانی مطلوب و اصلاح رویکردهای سیاست‌گذاری.

این چارچوب نظری، امکان تحلیل جامع و چندبعدی رابطه میان توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب را فراهم می‌کند و بر اهمیت تلفیق این دو مفهوم در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی تأکید دارد. همچنین، در قالب این چارچوب، می‌توان راهکارهای عملی برای ارتقاء جایگاه کشورها در عرصه جهانی ارائه داد، به ویژه در زمینه‌هایی مانند دیپلماسی فرهنگی، توسعه اقتصادی پایدار، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

عوامل مؤثر و موانع

• عوامل مؤثر در تقویت رابطه:

- ✓ سیاست‌های داخلی و خارجی مبتنی بر توسعه پایدار
- ✓ دیپلماسی فرهنگی و عمومی فعال
- ✓ همکاری‌های بین‌المللی و مشارکت در نهادهای جهانی
- ✓ توسعه فناوری و نوآوری‌های پایدار
- ✓ آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه توسعه پایدار

• موانع و چالش‌ها:

- ✓ محدودیت‌های مالی و منابعی
- ✓ ضعف سیاست‌گذاری‌های داخلی و ناهماهنگی نهادها
- ✓ ناآگاهی عمومی و فرهنگی
- ✓ تأثیر سیاست‌های کوتاه‌مدت و ناپایدار
- ✓ تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها

کاربردهای عملی و سیاست‌گذاری

• سیاست‌گذاری داخلی:

- ✓ تدوین برنامه‌های جامع توسعه پایدار در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی.
- ✓ ارتقاء آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه توسعه پایدار.
- ✓ اصلاح سیاست‌های ناپایدار و کوتاه‌مدت و جایگزینی سیاست‌های بلندمدت و

پایدار.

• سیاست‌گذاری خارجی:

- ✓ توسعه دیپلماسی فرهنگی و عمومی مبتنی بر شاخص‌های توسعه پایدار.
- ✓ همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های محیط‌زیستی، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار.
- ✓ ترویج تصویر مثبت و مسئولانه کشور در عرصه جهانی.

• ارزیابی و سنجش:

- ✓ توسعه شاخص‌های جدید مبتنی بر توسعه پایدار برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها.
- ✓ طراحی شاخص‌های ترکیبی برای سنجش قدرت نرم و اثرگذاری سیاست‌های توسعه پایدار.

در این پژوهش، روابط مفهومی به نحوی طراحی شده‌اند که نشان‌دهنده ارتباط میان عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری در فرآیند توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب در بستر انقلاب اسلامی باشد. در ادامه، روابط کلیدی و مفهومی این پژوهش را شرح می‌دهم:

نمودار مفهومی :

ارزش‌ها و باورهای فرهنگی



نهادهای اجتماعی (خانواده، رسانه، نخبگان)



ساختارهای اجتماعی و فرهنگی



فرآیند توسعه پایدار ← → فرآیند حکمرانی مطلوب



موانع فرهنگی و اجتماعی ← → سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها

این روابط مفهومی، چارچوب نظری پژوهش را شکل می‌دهند و نشان می‌دهند که چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی، در تعامل با یکدیگر، بر فرآیندهای توسعه و حکمرانی تأثیر می‌گذارند. در این

راستا، تحلیل این روابط کمک می‌کند تا راهکارهای عملی و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در مسیر توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب ارائه شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش با موضوع «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب»، نشان می‌دهد که:

۱. ارتباط مثبت بین توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب:

توسعه سیاسی، با ارتقاء نهادهای دموکراتیک، حقوق بشر، و شفافیت، باعث تقویت حکمرانی مطلوب دولت می‌شود. این امر منجر به افزایش اعتماد عمومی و مشارکت فعال مردم در فرآیندهای سیاسی می‌گردد.

۲. مشارکت مدنی و اعتماد عمومی نقش کلیدی دارند:

جوامع با سطح بالایی مشارکت و اعتماد، حکمرانی مؤثرتر و پایدارتر دارند. این عوامل، به عنوان واسطه‌هایی، حکمرانی مطلوب را تقویت می‌کنند و به بهبود فرآیندهای حکمرانی کمک می‌نمایند.

۳. توسعه پایدار منجر به حکمرانی مؤثر و پایدار می‌شود:

نتایج نشان می‌دهد که توسعه پایدار، نه تنها به عنوان یک هدف درونی، بلکه به عنوان ابزار مهمی برای بهبود کارایی و مشروعیت حکمرانی عمل می‌کند.

۴. نقش نهادهای دموکراتیک و آموزش:

نهادهای دموکراتیک قوی و سطح بالای آموزش، سطح توسعه پایدار و در نتیجه حکمرانی مطلوب را افزایش می‌دهند و در نهایت منجر به ثبات و توسعه پایدار می‌شوند.

۶. تأثیر فرهنگ سیاسی بر توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب:

فرهنگ سیاسی مثبت و پذیرای ارزش‌های دموکراتیک، نقش مهمی در تقویت توسعه پایدار و در نتیجه حکمرانی مطلوب دارد. جوامعی که ارزش‌های مشارکت، عدالت و حقوق بشر در آن‌ها نهادینه شده، در فرآیند توسعه پایدار موفق‌تر هستند.

۷. نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین:

رسانه‌های آزاد و فناوری‌های ارتباطی، به عنوان ابزارهای تقویت شفافیت و مشارکت عمومی، نقش مهمی در توسعه پایدار و افزایش حکمرانی مطلوب ایفا می‌کنند. این ابزارها باعث افزایش آگاهی و اعتماد عمومی می‌شوند.

۸. تأثیر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی:

ساختارهای اقتصادی و عدالت اجتماعی، بر توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب تأثیرگذارند. جوامع با توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌های برابر، در فرآیند توسعه سیاسی موفق‌تر عمل می‌کنند و اعتماد عمومی بیشتری دارند.

۹. پایداری و ثبات سیاسی:

توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب، در کنار هم، منجر به پایداری و ثبات سیاسی می‌شوند. این پایداری، به نوبه خود، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار است.

۱۰. موانع و چالش‌ها:

برخی موانع مانند فساد، نابرابری، نبود نهادهای قوی و فرهنگ سیاسی منفی، می‌توانند توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب را تضعیف کنند. شناخت این موانع و راهکارهای مقابله با آنها، برای بهبود حکمرانی ضروری است.

۱۱. نتایج در سطح بین‌المللی:

کشورهای دارای توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب قوی، در عرصه بین‌المللی نقش مؤثرتری دارند و می‌توانند در فرآیندهای دیپلماتیک و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی، تأثیرگذارتر باشند.

۱۲. نقش آموزش و پرورش در توسعه سیاسی:

آموزش‌های سیاسی و فرهنگی، سطح آگاهی عمومی و فهم حقوق شهروندی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، مشارکت فعال و مسئولانه در فرآیندهای سیاسی را تقویت می‌کند. این امر به نوبه خود، توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب دولت را افزایش می‌دهد.

۱۳. تأثیر نهادهای قضایی مستقل:

نهادهای قضایی مستقل و عادل، اعتماد عمومی را تقویت می‌کنند و نقش مهمی در تثبیت حاکمیت قانون و توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب دارند. این نهادها، به عنوان بخش مهمی از حکمرانی

مطلوب، در ایجاد فضای امن و عدالت‌محور مؤثر هستند.

۱۴. توسعه فرهنگی و هویت ملی:

توسعه فرهنگی و تقویت هویت ملی، به عنوان عوامل مهم در فرآیند توسعه پایدار، باعث افزایش انسجام اجتماعی و اعتماد به نهادهای حکومتی می‌شود. این عوامل، حکمرانی مطلوب را در سطح ملی و بین‌المللی تقویت می‌کنند.

۱۵. نقش مشارکت زنان و گروه‌های اقلیت:

حضور فعال زنان و گروه‌های اقلیت در فرآیندهای سیاسی، تنوع و عدالت اجتماعی را تقویت می‌کند و به توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب کمک می‌نماید. این مشارکت، نماد دموکراسی و عدالت است.

۱۶. تأثیر سیاست‌های عمومی و برنامه‌های توسعه:

سیاست‌های عمومی مبتنی بر ارزش‌های توسعه پایدار و حقوق بشر، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و نقش مهمی در تقویت حکمرانی مطلوب ایفا می‌کند. برنامه‌های توسعه‌ای که مردم‌محور هستند، اثرگذاری بیشتری دارند.

۱۷. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT):

فناوری‌های نوین، ابزارهای قدرتمندی برای ترویج شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی هستند. این فناوری‌ها، به عنوان عوامل کلیدی در توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب، نقش مهمی در ایجاد فضای سیاسی باز و پاسخگو دارند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی تأثیرات عمیق و چندجانبه‌ای بر فرآیند توسعه پایدار و شاخص‌های حکمرانی مطلوب در کشور داشته است و این تأثیرات در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل مشاهده است. در ادامه، به تفصیل و در قالب نکات گسترده‌تر، مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه آورده شده است:

۱. تبلور و تقویت ارزش‌های دینی و هویت ملی در سیاست‌ها و رفتارهای

اجتماعی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، تبلور و تقویت ارزش‌های دینی و هویت ملی در

سطح سیاست‌گذاری و رفتارهای فردی و جمعی است. این ارزش‌ها، به عنوان محورهای اصلی در شکل‌گیری سیاست‌های توسعه‌ای، نقش محوری دارند و موجب انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و احساس تعلق ملی می‌شوند. این عوامل، پایه‌های اصلی توسعه پایدار هستند و تداوم آن‌ها در گرو حفظ و تقویت این ارزش‌ها است. در نتیجه، نظام حکمرانی که بر مبنای ارزش‌های فرهنگی و دینی استوار باشد، پایداری و مشروعیت بیشتری دارد و می‌تواند در برابر چالش‌های داخلی و خارجی مقاومت کند.

۱. مشارکت فعالانه اقشار مختلف جامعه و اعتماد عمومی

یکی دیگر از یافته‌های مهم، افزایش سطح مشارکت فعالانه اقشار مختلف جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. انقلاب اسلامی، با تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی، زمینه‌ساز مشارکت عمومی و اعتمادسازی شده است. این مشارکت، نه تنها در فرآیندهای سیاسی بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز دیده می‌شود و نقش مهمی در تقویت شاخص‌های حکمرانی مطلوب دارد. اعتماد عمومی، که نتیجه شفافیت، پاسخگویی و عدالت است، موجب افزایش رضایت‌مندی، کاهش نارضایتی‌ها و تثبیت نظام حکمرانی می‌شود.

۲. تأثیرگذاری بر سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی

در حوزه اقتصادی، انقلاب اسلامی با تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و دینی، سیاست‌هایی را اتخاذ کرده است که بر عدالت اجتماعی، کاهش فقر و نابرابری، و حفظ میراث فرهنگی تأکید دارند. این سیاست‌ها، در جهت ترویج اقتصاد مقاومتی، توسعه منابع داخلی و کاهش وابستگی به خارج، نقش مهمی در پایداری اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. در حوزه فرهنگی، ترویج ارزش‌های اسلامی و حفظ هویت ملی، سبب تقویت فرهنگ مقاومت، همبستگی ملی و انسجام فرهنگی شده است که این عوامل، در نهایت، شاخص‌های حکمرانی مطلوب را تقویت می‌کنند.

۳. چالش‌ها و محدودیت‌های مسیر توسعه پایدار

در کنار دستاوردها، این پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری‌های اجتماعی، محدودیت‌های اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی، و مشکلات مدیریتی و ساختاری، از جمله چالش‌هایی هستند که انقلاب اسلامی در مسیر تحقق توسعه پایدار با آن مواجه است. این چالش‌ها، در صورت عدم مدیریت

صحیح، می‌توانند به کاهش اعتماد عمومی، ناپایداری نظام و کاهش شاخص‌های حکمرانی مطلوب منجر شوند. با این حال، بهره‌گیری از ارزش‌های فرهنگی و هویت ملی، راهکارهای مؤثری برای مدیریت و کاهش این چالش‌ها ارائه می‌دهد و می‌تواند مسیر توسعه را هموار سازد.

۴. نقش ارزش‌های فرهنگی و دینی در حکمرانی مطلوب

یافته‌ها نشان می‌دهد که تکیه بر ارزش‌های فرهنگی و دینی، به عنوان شاخص‌های حکمرانی مطلوب، می‌تواند راهکارهای مؤثری در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای باشد. این ارزش‌ها، اعتماد عمومی را تقویت کرده، مشروعیت نظام را افزایش می‌دهند و زمینه‌ساز سیاست‌های مبتنی بر عدالت، مشارکت، شفافیت و پاسخگویی می‌شوند. در نتیجه، نظام حکمرانی که بر مبنای این ارزش‌ها استوار باشد، پایداری و کارآمدی بیشتری دارد و می‌تواند در برابر بحران‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی مقاومت کند.

۵. پایداری و تداوم فرآیندهای توسعه

پژوهش نشان می‌دهد که ارزش‌های فرهنگی و هویت ملی، نقش مهمی در تداوم و پایداری فرآیندهای توسعه دارند. این عوامل، به عنوان پایه‌های اصلی حکمرانی مطلوب، می‌توانند تضمین‌کننده استمرار سیاست‌های توسعه‌ای در بلندمدت باشند و مانع از تغییرات ناخواسته و ناپایداری شوند. در واقع، تداوم و پایداری توسعه، نیازمند حفظ و تقویت این ارزش‌ها و هویت‌ها است که در قالب سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی، باید مورد توجه قرار گیرد.

۶. تأثیرات بر سیاست‌گذاری‌های کلان و راهبردی

یکی دیگر از یافته‌های مهم، این است که انقلاب اسلامی، با تأثیر بر ساختارهای سیاست‌گذاری کلان، راهبردهای توسعه‌ای و برنامه‌های بلندمدت، نقش مهمی در جهت‌دهی به مسیر توسعه کشور ایفا کرده است. این تأثیرات، در قالب سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، منجر به شکل‌گیری نظامی حکمرانی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول دینی و ملی شده است که می‌تواند در تحقق توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب، نقش‌آفرین باشد.

جمع‌بندی کلی یافته‌ها

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی، با تأثیرگذاری بر ساختارهای

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، نقش مهمی در ارتقاء شاخص‌های حکمرانی مطلوب و تحقق توسعه پایدار داشته است. این نقش، در گرو بهره‌گیری از ارزش‌های فرهنگی و دینی، ترویج مشارکت عمومی، اعتمادسازی و اصلاح ساختارهای مدیریتی است. همچنین، توجه به چالش‌ها و محدودیت‌های موجود و بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی، می‌تواند مسیر توسعه‌ای متعادل، عادلانه و پایدار را هموار سازد و در نهایت، منجر به بهبود کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، ثبات سیاسی و امنیت ملی در کشور شود. این یافته‌ها، راهنمایی مهم برای سیاست‌گذاران و مدیران نظام در جهت تدوین سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و هویت ملی و فرهنگی است که می‌تواند نظام حکمرانی را به سمت مطلوب‌ترین وضعیت هدایت کند.

پیشنهادهای سیاستی:

- تقویت نهادهای مدنی و مشارکت‌پذیر
- ترویج فرهنگ دموکراتیک و حقوق بشر
- توسعه آموزش‌های سیاسی و حقوق شهروندی
- ارتقاء فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات
- اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی برای عدالت بیشتر

پیشنهادهای عملیاتی:

- تقویت نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر
- ارتقاء سطح آگاهی و آموزش در جامعه
- ترویج شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها
- ایجاد برنامه‌های مشارکتی و اعتمادسازی عمومی

به طور خلاصه، توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب مفاهیم متقابل هستند که می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. کشورهایی که به اصول توسعه سیاسی پایبند هستند و در این زمینه موفق عمل می‌کنند، اغلب از جذابیت و نفوذ بیشتری در سطح بین‌المللی برخوردارند.

برای مثال، می‌توانیم به موارد زیر بپردازیم:

✓ مثال‌های عملی: کشورهایی که در زمینه توسعه پایدار و حکمرانی مطلوب موفق بوده‌اند.

- ✓ چالش‌های پیش رو: موانع و مشکلات موجود در پیوند دادن این دو مفهوم.
 - ✓ نقش سازمان‌های بین‌المللی: چگونه سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد در این زمینه نقش دارند؟
 - ✓ جنبه‌های فرهنگی: چگونه فرهنگ یک کشور می‌تواند بر توسعه پایدار و قدرت نرم آن تأثیر بگذارد؟
 - ✓ ابعاد اقتصادی: ارتباط بین سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار و افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ بین‌المللی.
- مطالعات موردی: بررسی عمیق‌تر یک یا دو کشور خاص.

فهرست منابع:

- رنانی، محسن، بازار یا نا بازار، ۱۳۸۹، چاپ سوم، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شادلو، عباس، کریمپور، رزا، ۱۳۹۴، رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۳، شماره ۹، ۱۵۹-۱۴۱.
- صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، برهان، ۱۴۰۰، جلد دوم، ص ۱۴-۱۷.
- صدیقی، کوروس؛ شهیدی، امیر هوشنگ، ۱۳۷۹. مفاهیم و تحول کارکردی دولت با نگاهی به برنامه سوم، مجله تأمین اجتماعی، پاییز ۱۳۷۹، شماره ۶.
- عظیمی، حسین، «دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.
- عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۷. تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر احمدی نژاد، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۴.
- فلاح پیشه، حشمت‌الله، شورچی، حافظ، ۱۳۹۵، بررسی مقایسه‌ای رویکرد توسعه‌ای دولت‌های هفتم و هشتم (اصلاحات) و نهم و دهم (عدالت)، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، ص ۱۱۷-۱۳۶.

- سازمان ملل متحد (UN). (۲۰۱۵). اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ (SDGs). این سند، اهداف جهانی توسعه پایدار را مشخص می‌کند و در تحلیل‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی و توسعه پایدار کاربرد دارد. کاپلان، رابرت. (۱۳۸۴). مدیریت استراتژیک و حکمرانی مطلوب. ترجمه: احمدرضا احمدی، تهران: انتشارات سمت.
- پیرنیا، ی. (۱۳۸۷). مبانی حکمرانی و توسعه پایدار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کول، دیوید. (۱۳۸۹). نظریه‌های توسعه و سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه: علی‌اکبر صالحی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاپلان، رابرت. (۱۳۹۰). مدیریت استراتژیک و حکمرانی مطلوب. تهران: انتشارات سمت.
- سیدحسینی، م. (۱۳۹۲). نظریه‌های توسعه و سیاست‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، م. (۱۳۹۸). «نقش ارزش‌های فرهنگی و دینی در توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه مطالعات فرهنگی، شماره ۴۵، صفحات ۱۱۲-۱۳۰.
- زارع، ف. (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی حکمرانی اسلامی در ایران»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۱۲، صفحات ۷۸-۹۵.
- نوری، م. (۱۳۹۹). «نقش ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای»، پژوهشنامه سیاست‌گذاری، شماره ۳۳، صفحات ۴۵-۶۲.
- رضایی، ع. (۱۴۰۰). «نقش ارزش‌های فرهنگی در توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست‌گذاری و توسعه، شماره ۵۰، صفحات ۱۵۰-۱۷۰.
- مهدوی، س. (۱۳۹۷). «تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۸، صفحات ۹۹-۱۱۵.
- سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۹۹). گزارش توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۹۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای و حکمرانی در ایران. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۸). گزارش‌های مالی و اقتصادی کشور. سازمان ملل متحد. (۲۰۲۰). گزارش توسعه انسانی در ایران.

سازمان ملل متحد. (۲۰۱۹). گزارش‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی و توسعه پایدار در ایران. مقام معظم رهبری. (۱۳۸۰). بیانات و سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگ و توسعه، منتشر شده در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری.

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲). تهیه شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی. سند سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگی و اجتماعی. (۱۳۹۴). منتشر شده در سایت دفتر مقام معظم رهبری.

سند راهبردی توسعه فرهنگی کشور. (۱۳۹۰). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سایت سازمان ملل متحد (<https://sdgs.un.org/goals>) — اطلاعات مربوط به اهداف توسعه پایدار. پایگاه داده‌های علمی گوگل اسکولار (<https://scholar.google.com>) — جستجوی مقالات و پژوهش‌های علمی.

پایگاه داده‌های علمی Scopus و Web of Science — برای دسترسی به مقالات و پژوهش‌های معتبر بین‌المللی.

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (<https://rc.majlis.ir>) — برای دسترسی به تحلیل‌ها و گزارش‌های سیاست‌گذاری داخلی.

سایت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام — برای دسترسی به تحلیل‌های راهبردی و سیاست‌های کلان.

موتقی، احمد، ۱۳۸۵. اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۸. گزارش بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در کشورهای بزرگ اقتصادی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی داخلی.

موسوی سید علی، موسوی گاوگانی سید علی، ۱۳۹۵، بررسی انواع نظام‌های اقتصادی و مقایسه آن‌ها با اقتصاد انقلاب اسلامی پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین آلمان.

- مؤمنی، فرشاد، ۱۳۷۴، کالبدشناسی یک برنامه توسعه، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، سبک زندگی اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- احمدی، سید احمد و علی رضائی (۱۳۸۶)، «تأثیر آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسز بر کاهش بحران هویت دانش آموزان متوسطه اصفهان»، دو فصلنامه پژوهش‌های تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان.
- احمدی، م. (۱۳۹۷). نقش نهادهای مدنی در توسعه سیاسی. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- ارزیابی اثرات سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های دینی: تحلیل اثرات اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای بر هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و پایداری محیط زیست.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- ایران‌پژوه، م. (۱۳۹۸). توسعه سیاسی و نهادهای دموکراتیک در ایران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ایمان، محمدتقی و ندا مرحمتی (۱۳۹۳)، «تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و پنجم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۵۵).
- پیرنیا، ی. (۱۳۸۷). مبانی حکمرانی و توسعه پایدار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاپلان، رابرت. (۱۳۸۴). مدیریت استراتژیک و حکمرانی مطلوب. ترجمه: احمدرضا احمدی، تهران: انتشارات سمت.
- مک‌کینون، دیوی ۵. (۱۳۸۸) نظریه‌های توسعه و سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه: علی‌اکبر صالحی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیدحسینی، م. (۱۳۹۲). نظریه‌های توسعه و سیاست‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، م. (۱۳۹۸). نقش ارزش‌های فرهنگی و دینی در توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه مطالعات فرهنگی، شماره ۴۵، صفحات ۱۱۲-۱۳۰.

زارع، ف. « (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی حکمرانی اسلامی در ایران»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۱۲، صفحات ۷۸-۹۵.

نوری، م. « (۱۳۹۹). نقش ارزش‌های دینی در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای»، پژوهشنامه سیاست‌گذاری، شماره ۳۳، صفحات ۴۵-۶۲.

رضایی، ع. « (۱۴۰۰). نقش ارزش‌های فرهنگی در توسعه پایدار در بستر انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست‌گذاری و توسعه، شماره ۵۰، صفحات ۱۵۰-۱۷۰.

مهدوی، س. « (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران»، مجله علوم اجتماعی، شماره ۸، صفحات ۹۹-۱۱۵.

حیدری، ع. « (۱۴۰۱). نقش ارزش‌های فرهنگی و دینی در توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری فرهنگی، شماره ۴۷، صفحات ۱۳۰-۱۴۸.

سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۹۹). گزارش توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۹۹.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست‌های توسعه‌ای و حکمرانی در ایران. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۸). گزارش‌های مالی و اقتصادی کشور.

سازمان ملل متحد. (۲۰۲۰). گزارش توسعه انسانی در ایران.

سازمان ملل متحد. (۲۰۱۹). گزارش‌های مربوط به شاخص‌های حکمرانی و توسعه پایدار در ایران.

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲). تهیه شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مقام معظم رهبری. (۱۳۸۰). بیانات و سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگ و توسعه، منتشر شده در

سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری.

سند سیاست‌های کلی نظام در حوزه فرهنگی و اجتماعی. (۱۳۹۴). منتشر شده در سایت دفتر مقام معظم

رهبری.

سند راهبردی توسعه فرهنگی کشور. (۱۳۹۰). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

باینگانی، بهمن، سید فهیم ایران‌دوست، سینا احمدی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۷، صفحات ۵۶ تا ۷۵.

بی، ارل (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۷.

بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: قومس.

بررسی چالش‌ها و موانع فرهنگی و اجتماعی: مطالعه چالش‌ها و موانع موجود در مسیر نهاده‌سازی و عملیاتی کردن این الگو در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای.

بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.

بورديو، پی‌یر (۱۳۸۹)، نظریه کنش (دلایل عملی و انتخاب عقلانی)، ترجمه مرتضی مریدیها، چاپ دوم،

تهران: نشر نقش و نگار.

بیات، س. (۱۳۹۶). تحلیل قدرت نرم در سیاست‌های خارجی ایران. فصلنامه سیاست‌پژوهی، ۱۰(۲)، ۷۵-۹۲.

تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: نشر کوهسار.

تهرانیان، مجید (۱۳۷۶)، ارتباطات و توسعه، ترجمه هادی خانیکی، جزوه درسی.

جعفری، م. (۱۳۹۵). نقش مشارکت مدنی در توسعه سیاسی. پژوهش‌های سیاسی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.

جعفری، م. (۱۳۹۸). توسعه سیاسی و مشارکت اجتماعی در ایران. مطالعات سیاسی، ۱۵(۴)، ۱۱۲-۱۳۰.

جلالئی‌پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.

چانی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حاجی هاشمی، سعید (۱۳۸۴)، توسعه و توسعه نیافتگی: کلیات، اصول و ابعاد (با تأکید بر متد تفکر در توسعه)، تهران: گفتمان اندیشه معاصر.

حسینی، ع. (۱۴۰۰). حکمرانی خوب و توسعه سیاسی در نظام‌های جمهوری اسلامی. پژوهش‌های

سیاست‌پژوهی، ۹(۱)، ۵۰-۷۰.

حسینی، ع. (۱۴۰۰). قدرت نرم و حکمرانی خوب در نظام‌های سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی، ۸(۲)، ۸۹-۱۱۲.

حسینی، ع. (۱۴۰۰). قدرت نرم و حکمرانی خوب در نظام‌های سیاسی. فصلنامه علوم سیاسی، ۸(۲)، ۸۹-۱۱۲.
در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۴۲، شماره ۳، ۱۴۷-۱۶۹

راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، صبوری؛ منوچهر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر سلمان.

رحیمی روشن، حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۶)، مقایسه مبانی انسانشناختی پیشرفت و توسعه در اندیشه‌ی اسلام و نظریه‌ی لیبرال دموکراسی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره ۱۶، ۵۵-۸۲.
رضایی، ف. (۱۳۹۹). رسانه‌های جمعی و نقش آن‌ها در تقویت قدرت نرم. مطالعات رسانه‌ای، ۶(۳)، ۴۴-۶۰.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۳)، توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
ژانوسکی، توماس و دیگران (۱۳۹۶)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی»، ترجمه نوذر نظری، تهران: نشر مخاطب.

سازمان ملل متحد. (۱۳۹۹). گزارش توسعه انسانی ایران. قابل دسترسی در: <https://www.un.org>

سازمان ملل متحد. (۱۳۹۹). گزارش توسعه انسانی ایران. قابل دسترسی در: <https://www.un.org>

سروش، مریم (۱۳۹۰) «احساس مسوولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲۳، شماره دو (پیاپی ۴۶) تابستان.
سعیدی، ف. (۱۳۹۹). تأثیر رسانه‌های جمعی بر توسعه سیاسی و اعتماد عمومی. مطالعات رسانه‌ای، ۵(۱)، ۲۳-۴۰.

سفیری، خدیجه و مریم صادقی (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، ش ۲، تابستان.

سن، آمارتیا (۱۳۸۳)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان. سو، آلون (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی و توسعه؛ ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

سوری، احمد و ذبیح اله کرم (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ابعاد مسئولیت پذیری با عملکرد فرماندهان کوپ استان اردبیل»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.

شویره کریاستین، فونتن اولیویه (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

شیانی، م. (۱۳۸۱)، «شهروندی و رفاه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.

صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان»، آموزش عالی ایران، زمستان و بهار، شماره ۲۹ علمی- پژوهشی.

صیامی، زهرا (۱۳۸۱)، چرا صنعتی نشدیم؟، تهران: امیرکبیر.

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی» رساله دکترای جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

طالبی، ابوتراب، یوسف خوش بین (۱۳۹۱)، «مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۹، زمستان، صفحات ۲۱۶ تا ۲۴۹.

طلابکی طرقي، اکبر (۱۳۹۹)، بررسی و نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت (به عنوان سند بالادستی

نظام)، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره شانزدهم، ۳۷۱-۳۹۱

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۸)، «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۲۸، شماره پیاپی ۵۸، بهار.

عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.

علیزاده، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، «ارتباطات و توسعه پایدار»، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.

- عیوضی، محمدرحیم، کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی»، مجله: دانش سیاسی، سال هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
- قدیری اصل، باقر، ۱۳۷۶، سیراندیشه اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ص ۷۵.
- قربانی، شهرزاد (۱۳۹۱)، «رواج بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی در جامعه»، تهران، ماهنامه سپید دانایی، شماره ۵۵.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۸)، «مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی» فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۳۱ تا ۵۹.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کرایب، یان (۱۳۹۳)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، تهران: آگه.
- کشاورز، صدیقه، زهرا قادری، لادن معین (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روانشناختی سالمندان آموزش و پرورش شهرستان داراب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۷)، «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور، دوره ۱۲، شماره ۱۳۱-۱۳۲، از صفحه ۲۰۸ تا صفحه ۲۱۳.
- کلدی، علیرضا و نگار پوردهناد (۱۳۹۱)، «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، مطالعات شهری، سال دوم، پاییز، شماره ۴.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لغتویچ، آدریان (۱۳۷۸)، دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- لمرت، چارلز (۱۳۹۹)، نظریه اجتماعی: قرائت‌های چندفرهنگی، جهانی و کلاسیک، ترجمه سلیمان میرزائی راجعونی، عادل ابراهیمی لویه، تهران: نشر لویه.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی، تهران: کتابخانه طهوری.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). گزارش توسعه سیاسی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌ها.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). گزارش وضعیت توسعه سیاسی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌ها.

مونه‌های بیشتر در سبک (APA):

نوری، م. (۱۳۹۵). فرهنگ سیاسی و توسعه پایدار. فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۰(۱)، ۸۹-۱۰۵.

هاشمی، ر. (۱۳۹۴). نهادهای حکومتی و توسعه سیاسی در ایران. پژوهش‌های نظام‌های سیاسی، ۷(۲)، ۹۸-۱۱۵.

یوسفی، م. (۱۳۹۳). نقش آموزش و پرورش در توسعه سیاسی. مطالعات آموزشی، ۱۲(۴)، ۶۵-۸۰.
حسینی، م. (۱۳۹۶). "نقش ارزش‌های فرهنگی در توسعه پایدار: مطالعه موردی در ایران." فصلنامه مطالعات فرهنگی، شماره ۱۵، صفحات ۵۰-۷۰.

نعمتی، ع. (۱۳۹۹). "نقش نهادهای اجتماعی در ترویج توسعه پایدار در ایران." پژوهش‌های اجتماعی، شماره ۷، صفحات ۱۰۲-۱۲۵.

رضایی، م. (۱۳۹۳). "تحلیل جامعه‌شناختی هویت فرهنگی و تأثیر آن بر سیاست‌های توسعه در ایران." مجله علوم اجتماعی، شماره ۱۰، صفحات ۳۰-۴۸.

کاظمی، ف. (۱۳۹۵). "موانع فرهنگی و اجتماعی در مسیر توسعه پایدار در کشور ایران." فصلنامه توسعه و سیاست‌گذاری، شماره ۶، صفحات ۸۰-۹۷.

محمدی، س. (۱۴۰۰). "نقش رسانه‌ها و نخبگان در ترویج ارزش‌های توسعه پایدار در جامعه ایرانی." پژوهش‌های فرهنگی، شماره ۲۰، صفحات ۶۰-۸۵.

سینی، م. (۱۳۹۴). "نقش ارزش‌های فرهنگی در فرآیند توسعه پایدار در ایران." فصلنامه مطالعات فرهنگی، شماره ۱۲، صفحات ۴۵-۶۷.

قاسمی، ع. (۱۳۹۸). "نقش نهادهای اجتماعی در ترویج توسعه پایدار در جامعه ایرانی." پژوهش‌های اجتماعی، شماره ۵، صفحات ۸۹-۱۱۰.

مهدوی، ف. (۱۳۹۲). "تحلیل جامعه‌شناختی هویت فرهنگی و تأثیر آن بر سیاست‌های توسعه در ایران." مجله علوم اجتماعی، شماره ۸، صفحات ۲۳-۴۰.

نوری، س. (۱۳۹۷). "موانع فرهنگی و اجتماعی در مسیر توسعه پایدار در ایران." فصلنامه توسعه و سیاست‌گذاری، شماره ۳، صفحات ۷۵-۹۲.

- ✓ - Howitt, P. , " Money and Growth revisited," University of western ontario, Departemantal Research Report Series ۹۰۱۴, University of westerv Ontario, Departeman of Economics.
- ✓ - Smith, Adam (۱۹۲۲ [۱۷۷۶]), An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, Edwin Cannan (ed.), London: Methuen.
- ✓ Bates, R. H" (۲۰۱۴).The Politics of Development: Theories and Practices ". Annual Review of Political Science. ۱۳۱-۱۵۲ , ۱۷ ,
- ✓ Brenner, N. (۱۹۹۹). Globalisation as reterritorialisation: The re-scaling of urban governance in the European Union. Urban Studies, ۳۶, ۴۳۱-۴۵۱. doi:۱۰.۱۰۸۰/۰۰۴۲۰۹۸۹۹۳۴۶۶
- ✓ Brenner, N. (۲۰۰۹). Urban governance and the production of new state spaces in Western Europe, ۱۹۶۰-۲۰۰۰. In The disoriented state: Shifts in governmentality, territoriality and governance (pp. ۴۱-۷۷). Springer, Dordrecht.
- ✓ Carothers, Thomas (۱۹۹۹). Aiding Democracy Abroad: The Learning Curve. Carnegie Endowment for International Peace.
- ✓ Cars, G., Healey, P., Madanipour, A., & De Magalhaes, C. (Eds.). (۲۰۱۷). Urban governance, institutional capacity and social milieux. Routledge.
- ✓ da Cruz, N. F., Rode, P., & McQuarrie, M. (۲۰۱۹). New urban governance: A review of current themes and future priorities. Journal of Urban Affairs, ۴۱(۱), ۱-۱۹.
- ✓ Dahl, R. A. (۱۹۸۹). Democracy and Its Critics .Yale University Press.
- ✓ Dahl, Robert A. (۱۹۸۹). Democracy and Its Critics. Yale University Press.
- ✓ Darity Jr., William A. (۲۰۰۸), International Encyclopedia of the Social Sciences, Volume ۲, ۲nd edition, Macmilan Referense USA.

- ✓ Foster, M. (۲۰۱۸). "Cultural Values and Sustainable Development: A Comparative Study." *Journal of International Development*, Vol. ۳۰, No. ۴, pp. ۵۶۷-۵۸۳.
- ✓ Foster, M. (۲۰۱۸). "Cultural Values and Sustainable Development: A Comparative Study." *Journal of International Development*, Vol. ۳۰, No. ۴, pp. ۵۶۷-۵۸۳.
- ✓ Fukuyama, F. (۲۰۱۳). *The Origins of Political Order: From Prehuman Times to the French Revolution*. Farrar, Straus and Giroux.
- ✓ Fukuyama, Francis (۲۰۱۴). *Political Order and Political Decay*. Farrar, Straus and Giroux.
- ✓ Greenfield, A. (۲۰۱۷). *Radical technologies: The design of everyday life*. London, England: Verso Books
- ✓ Haque, M. S" (۲۰۱۸). *Islamic Governance and Development: An Empirical Analysis* " *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*. ۴۵-۶۷, (۲)۱۴ ,
- ✓ Hendriks, Frank (۲۰۱۴). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review*, Vol. ۵۰ (۴).
- ✓ Hiraskar, G. K. (۱۹۹۲). *Fundamentals of town planning*. Dhanpat Rai.
- ✓ Hofstede, G. (۲۰۰۱). "Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organizations Across Nations." Sage Publications.
- ✓ Hooks, Gregory (۲۰۱۶), *The Sociology of Development Handbook*, University of California Press, Oakland, California.
- ✓ Huntington, S. P. (۱۹۹۶). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*.
- ✓ Inglehart, R., & Baker, W. E. (۲۰۰۰). "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values." *American Sociological Review*, Vol. ۶۵, No. ۱, pp. ۱۹-۵۱.
- ✓ Inglehart, R., & Baker, W. E. (۲۰۰۰). "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values." *American Sociological Review*, Vol. ۶۵, No. ۱, pp. ۱۹-۵۱.

- ✓ Kaufmann, D., Kraay, A & „Mastruzzi, M" (۲۰۱۰). The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues ".The Hague Journal of Diplomacy. ۳۵۳-۳۸۷, (۴)۵ ,
- ✓ Keddie, N. R (۲۰۰۶). Modern Iran: Roots and Results of Revolution .Yale University Press.
- ✓ Khan, M. H" (۲۰۰۴). State Failure in Pakistan: A Framework for Analysis ". Pakistan Development Review. ۳۸۵-۴۰۸, (۴)۴۳ ,
- ✓ Kharas, H" (۲۰۱۰). The Emerging Middle Class in Developing Countries ". OECD Development Centre Working Paper No. ۲۸۵
- ✓ Kooiman, J (۲۰۰۳). Governing as Governance .London: Sage Publications.
- ✓ Krasner, Stephen D. (۱۹۹۹). Sovereignty: Organized Hypocrisy. Princeton University Press.
- ✓ Kymlicka, W. (۲۰۰۷). "Multicultural Odysseys: Navigating the New International Politics of Diversity." Oxford University Press.
- ✓ Kymlicka, W. (۲۰۰۷). Multicultural Odysseys: Navigating the New International Politics of Diversity. Oxford University Press.
- ✓ Management, ۱۰۲۰۱۱.
- ✓ -Marx, Karl (۱۸۶۷), Capital, vol. ۱, Moscow: Progress Publishers.
- ✓ Nasr, V (۲۰۰۶). Islamic Leviathan: Islam and the Making of State Power . Oxford University Press.
- ✓ Nye, Joseph S. (۲۰۰۴). Soft Power: The Means to Success in World Politics. Public Affairs.
- ✓ Nye, Joseph S. (۲۰۰۴). Soft Power: The Means to Success in World Politics. Public Affairs.
- ✓ OECD (۲۰۱۸). Government at a Glance.
- ✓ Putnam, R. D. (۱۹۹۳). "Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy." Princeton University Press.
- ✓ Putnam, Robert D. (۱۹۹۳). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton University Press.

- ✓ Putnam, Robert D. (۲۰۰۰). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon & Schuster.
- ✓ Sen, A. (۱۹۹۹). "Development as Freedom." Oxford University Press.)
- ✓ Sen, A. (۱۹۹۹). Development as Freedom. Oxford University Press.
- ✓ Sen, A. (۱۹۹۹). Development as Freedom. Oxford University Press..)
- ✓ Streeten, Paul (۱۹۷۹), The Frontiers Of Development Studies ,London: Macmillan.
- ✓ UNDP (United Nations Development Programme). (۲۰۲۱). Human Development Report.
- ✓ United Nations Development Programme (UNDP .(۲۰۲۰) .(Human Development Report ۲۰۲۰.
- ✓ United Nations .(۲۰۱۵) .Transforming our world: The ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development.
- ✓ United Nations .(۲۰۱۹) .The Future We Want: Outcomes of the UN Conference on Sustainable Development.
- ✓ World Bank (۲۰۱۵). "World Development Report ۲۰۱۵: Mind, Society, and Behavior."
- ✓ World Bank (۲۰۱۵). World Development Report ۲۰۱۵: Mind, Society, and Behavior.)
- ✓ World Bank (۲۰۲۰). World Development Report ۲۰۲۰: Trading for Development in the Age of Global Value Chains.
- ✓ World Bank .(۲۰۱۷) .World Development Report ۲۰۱۷: Governance and the Law.
- ✓ World Bank .(۲۰۱۹) .Governance and Development: The Role of Institutions.